

دوم هم در جنوب آن شهر قرار گاه خود را برپا نموده بود . اما تجمع سواران ایل و دستجات و هنگ‌های محلی هنوز به حوضه ارس نرسیده و اغلب روسای آنان مخالفت میکردند .

در بدو امر سرگردگان محلی چندان راغب نبوده اند که از دنبال عباس میرزا راه افتاده به صحه جنگ بروند ، اما دخالت علما و مجاهدین ، جنبه دینی به این اردو کشی داده آنرا شبیه اردو کشیهای جهاد اکبر نمود و به این لحاظ رزم آزمایان کلیه نواحی شمال غربی نزد عباس میرزا آمده اند . ولی وقت بر قیمت را با این مخالفت ها از دست داده ، ارتش روس زودتر از آنها نقاط مهم صحه جنگ را بدست آورده بود .

قصر و مضایفه خزانه مملکتی موجب شد که ارتش ایران نواقص خود را نتوانست اتمام نموده و سرعت به محل تمرکز قوا برسد . مخصوصاً دستجات ایلاتی که میبایستی از خود خرج کنند و این لحاظ هر سر کرده برای تدارک اسلحه و سیورسات خود و کسان و دواب خویش احتیاج به مقدار زیادی داشت و باین جهت قسمتهای خود را نمیتوانستند زود تسلیح و اعزام دارند .

در این موقع فرمانده کل قوای ایران « عباس میرزا » بنا بر درخواست هیئت ارکان حرب خود که ( چهار نفر افسر فرانسوی در آنجا کار میکردند ) کلیه صحه جنگ را بر سه منطقه جنگی تقسیم نمود ، منظور اصلی و مقصد تغییر نا پذیر افسران فرانسوی و فرمانده کل این بود که روسها را با حد اکثر قدرت از نقاط معینه

که قبلا در نظر گرفته شده و با وسایلی که از اول تعیین شده بود تحت ضربت شدید و آنی قرار دهند. بناء علیه در تاریخ ۲۷ صفر ۱۱۱۹ که قرارگاه کل در شهر (نخجوان) تشکیل گردید و قرار شد در منطقه اول و دوم نیروهای پوشش و در منطقه سوم استعداد کل نیروی تمرکز یابند. برای اینکه خاك مملکت از تجاوزات دشمن مصون بماند، در سواحل بحر خزر نیز ساخلوهای مخصوص اقامه گردید، هر چند قوای پوشش، که عهده دار این ماموریتها میباشند بایستی در زمان صلح تهیه شده باشند، ولی وضعیت پریشانی دولت و عقب ماندن اصول جدید نظام در ایران اینطور وسائل احتیاطیه را قبلا تهیه کردن بسیار مشکل و عدیم الامکان بود.

فرمانده کل نیروی عباس میرزا، در این فصل پائیز بر حادثه انجمن شوروی، وقت بسیار برای مشاوره نداشت و مجبور بود بیدرنگ بکار پردازد.

در خلال این اوقات اخباری که از ستون اول روس میرسید حاکی بود از اینکه ژنرال ایشمخدر در شمال حوضه ارپه چای با يك نیروی پنجاه هزار تفری بطرف جنوب پیش می آید بنا بر این ایشان مجبور گردید که ستون اول را بحالت تعرض در آورد.

### ۳ - عملیات در جبهه آریاچای و شوره گل

روز ۲۹ ماه صفر ۱۲۱۹ - ه ارتش اول ایران

حرکت ارتش  
اول ایران

بطریق ذیل شروع بتعرض نمود :

کلبه سوار نظام در تحت فرماندهی مهد بقلی

خان دودلو صبح زود روز بیست و نهم ماه صفر ۱۲۱۹ هـ بجزرکت در آمد . ( مجموع سواران ایران در ارتش اول که همه چریک و غیر مرتب بوده اند ، قریب شش هزار نفر میشده اند ) این نیروی سوار دستور داشت که ایستی تاظهر بخط عمومی ( ایراوبی - کرداوباسی جای کناری ) برسد و تماس خود را با ارتش محفوظ داشته و به نیروی مقدم روس تعرض نماید .

دویش آمد نظامی با درجه اهمیت مختلف آغاز عملیات تعرضی را مستحضر گردانید . موقع ظهور سوار نظام ایران با دستجات مقدم ارتش اول روس تلاقی شد هنوز به خط معینه فوق الذکر نرسیده بود که مصادمه شروع گشت . ایرانیان در جناح راست خرابه های ( ایراوبی ) را تصرف کرده ، سپس از دست دادند ولی کمی بعد از ظهر باز متصرف شدند اما این پیشرفت موقتی و اهمیت نظامی نداشت ، در خلال این اثنا یکستون روس از خط ( کرداوباسی - جای کناری ) عبور کرده جناح چپ کلیه سواران ایران را تهدید مینماید فرماده سواران ایران ابدأ بدان سمت متوجه نمیشد ، برعکس سعی میکند که هدف اولی را از بین ببرد . بنا بر این با تمام قسمتهای خود به قزاقان اردوی اول روس هجوم مینماید . این حمله هر چند مؤثر واقع شد ، ولی تهدیدات روسها در سمت جناح چپ توهم یافته و طولی نکشید افواج سوار روس از آن سمت با سرعت زیاد بطرف روی خطوط عقبی سواران ایران پیش می آمدند . بالاخره این وضعیت فرماده سواران ایران را از خطر آگاه ساخته ، ایشان هر چه زودتر دستجات بخود را عقب

کشید ، ولی در حین عقب روی دوچار تهاجمات کایه سواران روس گشته بطور پریشان بطرف استعداد کل ارتش اول رجعت نمود .  
صرف مهمتری تپه های ( ایراوف ) از طرف روسها ( ۲۹ ماه صفر ) راه جلگه ایروان را کاملاً برای آنها مفتوح ساخت . ولی چون مقاومت غیر منتظره اهالی محل ، روسها را دوچار زحمت و خشمگین کرد ، لهذا مطابق اصول منظم خود قتل و غارترا در آن منطقه شروع نموده اند ، بطوریکه کمترین سوءظن خصومت ، خانها قریه ها ، طعمه آتش گردید .

بعد از رجعت اجباری سوار نظام ایرانیان ، ارتش اول روس با دوستون بحرکت پیش روی خود ادامه داده بالاخره پس از طی دو فرسنگ راه ، مجدداً با پیش قراولهای ارتش اول ایران تماس حاصل و طولی نکشید باو داخل محاربه گردید . در عرض چند دقیقه پیشقراول های مذکور را بطرف استعداد کل عقب میراند و بالاخره کمی قبل از غروب ارتش اول روس با يك آرایش جنگی درازی پیش آمده ، جبهه خود را باهنگهای سوار از جناحین ، محفوظ داشته و با این آرایش مدتی راه پیمائی نمود . و موقع غروب بفاصله پنجهزار متری با حال فرسودگی در مقابل ارتش ایران متوقف شده و شب را در آنجا بسر میبرد . عده ها مطابق معمول آن دوره در اردو گاه قرار گرفته و به دو قسمت عمده تقسیم میشوند : يك لشکر در جلو در طول جبهه اردو گاه باز دایر میکند . قسمت دوم هزار قدم عقب تر از جبهه اردو گاه مسکونی تأسیس مینماید ، و سوار نظام ارتش هم تقریباً بالتمام در جناح

راست اردو گناه می ماند اقدامات تأمینی که اتخاذ شده تقریباً هیچ و منحصر به استقرار چند گروهان طلایه است درجه جنگی یعنی در ۱۵۰ متری اردو گناه حفظ تماس و تجسس اطلاعات کاملاً فراموش شده است .

مأموریت ارتش روس برای فردا . ادامه راه پیمائی است طرف قلعه ( ایروان ) برای تصرف شهر مزبور و عقب راندن ارتش اول ایران میبایستی علی الطلوع حرکت کرده باشند اما لشکرهای این ارتش به اندازه خسته و فرسوده شده اند که فرمانده اردو « ایشپخدر » وقت حرکت را در اواسط روز معین میکند ..

موقعیت و وضعیت نیروی ایران هم در مقابل روسها کاملاً بی ترتیب بوده ، و از وضعیت روسها ابدأ مسبوق نبوده اند . در مدت شب طرفین به هیچ اقدامی مبادرت نکرده شب ۳۰ ماه را با کمال راحتی سر میبرند

روز ۳۰ ماه صبح رود ارتش ایران برای اینکه **فبرد پنبک** موقعیت بهتری اتخاذ نماید ، بطرف جنوب شرقی عقب نشینی کرد ولی تومان اول ( لشکر اول ) را در حدود قصبه ( اوچ کلیسا ) گذارده باقی قسمتها را تا به نزدیکبهای شهر ( ایروان ) عقب کشید . در مقابل این خطر ارکان حرب عباس میرزا ( چهار هر افسر فراسوی ) تصمیم گرفتند . عقب شیب خودشان را طوری ترتیب و بموقع اجرا بگذرند که بتوانند در جناح چپ خودشان نیروئی که قابل تجدید حملات عرضی باشد تشکیل دهند . اگرچه نزدیکی

خطر و خستگی دوازده و اضطراب روحی نیروی ایران برای اجرای چنین عملیاتی اشکالات بیحد و حد تولید میساخت ، معذالك نیروی ایران را بر اشکالات فائق آمده کلیه سواران اگراد را در جلو ارتش روس گذاشته سرعت بخط جنوب شرقی ( پنبك ) عقب نشینی کرد .

روز اول ماه ربیع الاول ، فی مابین ارتشهای طرفین فاصله ای قریب چهار فرسنگ حاصل شد نه روسها جلو میآمدند و نه ایرانیان پیش میرفتند .

علت توقف ارتش روس برای فهمیدن اوضاع جبهه قره باغ بود ، چه فرمانده ارتش روس افواها شنیده بود که ، نیروی دوم ایران از بلخدا آفرین گذشته بطرف شهر شوش و گنجه پیش میروند و همچنین فرمانده نیروی ایران هم خبر در یافته بود که در قلعه شوش قوای روس بیشتر شده در تحت فرماندهی سرگرد «لیانویچ» حاضر حرکت میباشند . اینک فرماندهی طرفین برای اینکه وضعیت جبهه قره باغ در خطر است ، از تماس و نرد همدی ایجتناوب مینموده اند . چون در آن عصر هنوز تلگراف ایجاد نشده و وسائل سریع جهت مخابره نبود و بنا بر وضعیت اراضی و هم از نیه دن قلعه های کبوتر اخبار از جبهه های دیگر دیر به دیر میرسید لذا تا هیجدهم ماه ربیع الاول هیچ یکی از ارتش های طرفین در این جبهه داخل مخاربه نشده و در اردوگاههای خود همان متوقت و سوار نظام آنها در فاصله پنج فرسخی گاهی نزد خوردی مبادرت میورزندند . و نه همچنین در سایر جبهه های جنگی سکونت حکمی مابود .

امروز یکشنبه ۱۹ ماه ربیع الاول ۱۲۱۹ هـ ارتش اول روس هنگام نماز صبح غفله شروع و محاربه نمود . عباس میرزا بیست هزار تفری را که در این میدان محاربه حاضر داشت قدرن در پشت دره‌ای که عمود باجاده ( ایروان ) است ترتیب داده بود . طول جبهه ارتش اش به دو کیلومتر میرسید جناح راست جبهه فرماندهی تومان اول بود . این جناح به اتفاق سوار نظام ایلاتی شاهسون و ماکوئی بته‌های ( حاحی یوردی ) تکیه داشت ، یعنی درست روی جاده شهر ایروان و جناح چپ جبهه بوسیله تومان دوم محکم گرفته شده و بوسیله هشت دسته سوار ایلاتی آخرین نقطه این جناح حفظ میشد صد قدم دورتر از جبهه فوج شقاقی و فوج مخجوان بمنزله احتیاط ایستاده و پشت جبهه را حفظ میکردند

روز یکشنبه صبح زود ارتش اول روس که قریب سی و هفت هزار نفر میشد ، بجبهه شورکل ایرانیان شروع بتعرض نمود در ( ۲۰۰ متری ) جبهه توقف نموده در تمام روز طول جبهه ایرانیان را مورد شلیک قرار داده و توپخانه قوی آنها بدون فاصله تمام نقاط را زیر باران تیر قرار دادند روسها بایستی جناح جنوبی ارتش ایران را که از جاده قدری دورتر بود ، مورد حمله قرار دهند . در موقع ظهر با کندی و سستی هرچه تمامتر روی بجناح چپ نهادند و بزودی از پیشرفت باز ایستادند زیرا که از قضا در سر راه آنها و در بالای يك تپه ای توپ بزرگی واقع بود که مهاجمین را در زیر آتش شدید گرفت .

پس روسها با حرارت و قوت فوق العاده با حکم اجباری به جناح

چپ جبهه ایرانیان حمله آوردند و چهار مرتبه حملاتشان بی نتیجه ماند  
انگاه از ظهر تا پایان روز فقط به تیراندازی بیهوده اکتفا کردند و  
کار مهمی از پیش نبردند.

شب بدون حادثه گذشت ولی همینکه آفتاب درآمد، باز نیروی  
روس در طول جبهه شروع به محاربه کردند. دو فوج پیاده روس به  
اتفاق سه فوج سوار نظام بطور احاطه مائیدی به روی جناح چپ  
جبهه ایرانیان هجوم کردند و ایرانیان به مقابله شتافتند، شلیک ایرانیان  
قریب دوست نفر را بجاک هلاک افکند، در این موقع سواران ایلاتی  
ایران هم در تعرض متقاملی پیش دستی نموده (۶) سواران روس را  
برگرداندند. آنها مجدداً به پیاده نظام خودشان مایحی شده به اتفاق  
آنها باز جلو آمدند، ناگاه بصف قوی ایران برخوردند. از یکطرف  
تیرباران پیاده نظام ایران و از طرفی آتش توپ باعث شد که روسها  
عقب بنشینند. بعد از ظهر تهاجمات روس باز در همین نقطه بایک نیروی  
قویتر تکرار شد. عباس میرزا مجبور شد که دو فوج احتیاط را به آن  
نقطه اعزام دارد. قبل از رسیدن این دو فوج به آن جناح، روسها  
قریب صد قدم عده های آن جناح را عقب رانده بوده اند و وضعیت را

(۶) - از میان نخستین سواران طایفه شاهسون و حواجه وند و  
عبدالملکی از صف اسب برجهانده بر سر یک مرد از جماعت روسیه تاختن  
بردید و ایشان مانند ختن گاوله توپ و تمک دهم همی دادند تا اینکه گاوله  
چون باران هزار ناریدن داشت. از کتاب حاد اول تاریخ قاجاریه از  
مجلدات نسخ النواربع صفحه ۶۷ سطر ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ج . ق



به مهلکه انداخته و بوسیله سوار نظام نیز شروع به احاطه کردن جناح خارجی اقدام میکردند. عده‌های جناحی ایران در مقابل حملات پیاده و سواران روس، بشکل مربع که ضلع پشت سر آن باز بود قرار گرفتند. افواج روس این مربع ضعیف را لایتنقطع هدف تیر ساختند و حتی بعضی دسته‌ها تهاست مرتبه به خالی کردن تفنگ خود موفق شدند. اما چون میانه صف‌های دفاع کننده ایرانیان فاصله خالی بود، لذا تیر باران روسها چندان بجائی نرسید این دلاوران این قدر شجاعت بخرج داده اند که، بالاخره دو فوج احتیاطی را که عباس میرزا به آنست فرستاده بود رسید.

شجاعت یکی از ملکاتی است که بوسیله آن شخصی با عده میتواند قوای جسمانی، عقلانی، روحی خود را علی رغم تأثیرات فتورآور خستگی، ترس، و شدائد دیگر بکار انداخته و در انجام مقصود با جدیت و حرارت تامی سعی و کوشش نمایند.

احساسات زیادی ممکن است سبب تهر یك و تولید شجاعت شوند. هر وطن پرست جسور و هر مسلك پروردلور، و هر متدین شجاع است. این قهرمانان عده جناح چپ برای حفظ دین و میهن و شرافت در مقابل دشمن ظالم ایستادگی کرده و شجاعت را از دست ندادند.

برای اینکه رشادت نظامی اثرات مطلوبه را بخشد، باید اتحاد و حمیت و محبت در بین سربازان برقرار گردد و مطابق مقصدی که در نظر است به وقوع اجرا گذاشته شود. یعنی در حدود مقرر از طرف رؤسا و فرماندهان انجام شده و اعمالی که به منزله تظاهرات آن میباشد

از طرف ایشان تقاضا و مقرر گردد ولی باید این قطعه را در نظر داشت که  
تقرات هر قدر رؤسای خود را بیشتر دوست داشته باشند . بهمان اندازه  
بیشتر از روی میل و رغبت اطاعت و فداکاری مینمایند و همچنین هر  
اندازه بین رفقا و همقطاران نظامی بیشتر محبت و مودت برقرار باشد  
بهمان نسبت بیشتر یکدیگر صدق . با وفا . صمیمی . محبت خواهند بود .  
همین بود که افواج جناح چپ جبهه به علیقلیخان سر تیپ مطیع  
و ایمان داشتند و در فرمان او ثابت قدم شده . اسلحه خودشان را از دست  
نداده و در ناریکترین نبرد متفقاً جانبازی کردند . فرمانده مزبور نام  
و نفوذ محکم داشت . شخصی متدین و مقدس و جسور بود . سر بازان  
اورا مثل پدر و برادر از صمیم القاب دوست داشتند و در چنین  
وضعیت ، هملک از فرمان و محیط او خارج نشده و شجاعت فوق العاده  
بخرج دادن پس ، محبت نسبت بمافوق و همقطاران نظامی نیز یکی از مؤثر  
ترین عناصر رشادت بشمار می آید .  
کمی قبل از غروب هنگ شقاقی و دسته جات پیاده نظام نخب جوان  
با تکبیر و تدبیر به حدود مربع فداکاران در رسیدند و حمله کنان وارد  
ضلع شمالی آن شدند . . . جبهه مقرر روس را دریده ، برادران خود  
از مهلکه نجات دادند و با این هم قناعت نکرده به حمله متقابله مبادرت  
ورزیدند نبرد در این نقطه وضعیت عجیب ، غریبی بخود گرفت .  
با وجود حلول شب . روسها را بطور پریشان مجبور بر حمت کردند  
شبی که همه جا را تاریک کرد ، شب بیست و یکم ماه ربیع الاول  
بود ، ابر های غلیظ ضیاء قمر را مستور میساختند . جمع آوری شهدا

و مجروحین با کمال اشکال صورت میگرفت. بی آبی اردوگاه را گرفتار تشنگی مینمود، تشکیلات سقائی وجود نداشت و هم آنروز آذوقه افراد نرسیده و همه گرسنه، خسته، تشنه در میدان مقاتله به تفنگهای خود تکیه داده شب را بدون حادثه سر بردند.

کمی قبل از طلوع آفتاب صدای مؤذنین ارتش را در میدان نبرد دعوت به ادای نماز مینمود. قدری بعد توپهای خصم طنین انداز شده میدان محاربه را به يك روز محشر مبدل میکرد.

توپخانه روس سرتاسر جبهه ایرانیان را زیر آتش خود گرفته مدتی تراندازی کرد بعد شیپورهای بزرگ و طبلهای جنک غریبند گرفت، ارتش عباس مرزا که جنک آزموده بوده اند، فوراً صفی تشکیل داده در مقابل خصم مقاومت ورزیدند، ژنرال ایشپخدر فرمانده جنک بود، حکم یورش را پشت سر هم میداد و آنچه ارتش احتیاط در دست داشت، جبهه حرب روانه میداشت. کمی بعد این ژنرال لجوج که امپراطور پرست حقیقی بود، مردان را پیش فرستاد و مقدم و همه هنک فدائی را به مرکز جبهه روانه کرد. قدری بعد در جناح راست سواران سنگین اسلحه روس بحرکت درآمدند هر سواری تیغی برهنه در دست چپ و نیزه درازی در دست راست داشت در پشت سر آنها سواران قزاق آخرین نقطه جناح را نگاه میداشتند.

حالا دیگر... نبرد در مرکز و در جناح راست شدت گرفت. فشار روسها به مرکز ایرانیان بسیار شدید بود، اما سواران طرفین در جناح راست جانبازی سخت میکردند. آنچه سوار در دست بود،

ژنرال روس روانه نبرد کرده و خود نیز به دنبال آنها رفت .  
سواران روس با این وضع در میدان تنگ افتادند و چون نمیتوانستند  
به تیراندازی که فن مخصوص آنها بود پردازند . ناچار یورش وحشیانه  
بقلب لشکر مسلمانان کردند و شمشیر ایرانیان را با شمشیر های سنگین  
نوک بر گشته خود دفع مینمودند . در این وقت افسر فرانسوی که همراه  
عباس میرزا بود ، او را نصیحت میکرد که قطع مجاریه نموده عقب  
بنشینند و روسها را تعاقب خودشان وادارند ، تا اینکه ارتش امدادی  
برسد . اما وی به رجعت راضی نشد و فرمان حمله متقابل داد و گفت :  
« اگر نگریم . . . به پدرم چه بگویم . . . »

تلفات و قربانی مسلمانان بسیار شد . . . در جناح راست سواران  
روس چنان پیش رفتند که قرار گاه فرماندهی هم بخطر افتاد .  
عباس میرزا و هیئت قرار گاه فقط بهمت سواران موبد مخصوص و  
یک دسته از نظام جدید ، توانست از مهلکه نجات یابد و نیز تمام  
قورخانه که تصادفاً در ایستگاه فرماندهی بود دوچار مخاطره شد که  
اگر افراد قلبه شهابتی بخرج نمیداد بکلی تعمه حریق میشد در اینموقع  
حملات روسها در مرکز و در جناح چپ منکسر شد ، ولی در جناح  
راست مقاتله با کمال شدت ادامه داشت .

در خلال این اوقات هیچ معلوم نشد ، بچه امری و بچه خیالی . .  
سواران عبدالملکی و ماکوئی از جناح چپ بکمک جناح راست  
رسیدند . و بلادرنگ به حمله مبادرت نموده هرج و مرجی به وسط  
انداختند . طرفین در این حمله محکم بهمدیگر چسبیده قتال سخت  
میکردند . در اینوقت جناح روس بیش از این متحمل نشده عقب نشست

و کمی بعد از ظهر محاربه در طول جبهه خاتمه پیدا کرد .  
 طرف عصر ، تهاجمات روس تجدید شد ولی باز کاری از پیش  
 نبردند . نبرد در نقاط مختلفه جبهه بطور خفیف ادامه داشت تا آفتاب  
 نشست (۷) و نبرد امروز هم با دادن تلفات زیاد بدون اینکه طرفین  
 نتیجه‌ای بدست بیاورند خاتمه یافت . خلاصه تعرضات سه روزه روسها ،  
 در اثر حملات متقابله ایرانیان بلا نتیجه ماند .

پس از قتال فرمانده نیروی ایران برای ترمیم  
**عقب نشینی**  
 وضعیت و موقعیت به جبهه‌مر کزی رفته وضعیت  
 پریشانی ، خسته گی ، گرسنگی افراد را مشاهده نمود . حقیقه  
 وضعیت ارتش تأسف آور بود قورخانه ارتش تمام . آذوقه نیست ،  
 آب نایاب ، تشکیلات صحیه اندا نیست . مجروحین در تلال اطراف  
 مانده ، مقتولین در گودالهای خون رویهم دیگر افتاده بودند . منظره  
 شب بیست و دوم ربیع الاول ، کمتر از دهم محرم در صحرای کربلا  
 نبود . این وضعیت اسف آور کمتر از شکست نبود ، عباس میرزا  
 با سران سپاه و افسران فرانسو و ارتش شورای حربی ترتیب داد و در  
 نتیجه مذاکرات قرار شد که شبانه بخط ( صدرک ) عقب نشینی نموده  
 بدین وسیله از سختی میدان نبرد خلاص شوند . برای این مقصود

(۷) - دست بحک گشادند ، الحمله حرب ارطرهین برپای بود تا آفتاب  
 نشست سه روز بدینگونه از باامداد تا شامگاد رزم دارند و مردم و مرکب بحاک  
 اوکندند اگرچه از هیچ جانب نصری بدست نند . اسح الواربع صفحه ۶ -

نقشه بدین قرار طرح و از نصف شب به بعد بموقع اجرا گذارده شده:  
 ۱ - کلیه سوار نظام و دستجات ایلاتی در خط ( پنبک ) مانده  
 بعد از طلوع آفتاب بطور مرتب از جنوب قلعه ایروان ، بشرط اینکه  
 روزی پنج فرسخ راه پیمایند با داشتن تماس با خصم بطرف قریه (صدرک)  
 رجعت نمایند .

۲ - نومان اول از جاده معمولی از نصف شد به بعد بطرف صدرک  
 برگردد .

۳ - نومان دوم نیم فرسنگ از جاده معمولی جنوب شرقی بسمت  
 صدرک عقب نشینی نموده قبل از طلوع آفتاب به ( یوجه یورد ) برسد  
 که آذوقه جهت آن تومان در آنجا تهیه شده است .

قدری بعد از نصف شب ، این حکم بموقع اجرا وضع گردید .  
 باوجود احتیاط های لازمه ، این عقب نشینی بی داد و قال عملی نشد .  
 صدای افراد ، شبهه های اسبان ، حرکت چرخهای عراده توپها ،  
 دشمن را از وضعیت آگاه ساخت ، معذالک از طرف روسها هیچ اقدامی  
 نشده ، ارتش اول ایران با کمال آسودگی شروع بعقب نشینی نمود  
 و مع التأسف دو بیست و پنج نفر مقتول و قریب سیصد نفر مجروح در  
 میدان مقاتله جا مانده بودند .

در خلال این اوقات وضعیت قلعه ایروان چندان بد نبود . چه  
 یازده عراده توپ سنگین چهار هزار نفر مستحفظ در آنجا استقرار  
 داشت که ، ارتش روس را میتوانست اقلاً یکماه معطل نماید ،

روز - ۲۲ - ربيع الاول ۱۲۱۹ . ه :

روز روشن شده بود . هنوز صدای تیر تفنگ از جنوب شرقی ایروان مرسید ولی از دور سوار نظام ایرانیان دیده میشد که با قسمت های کوچکی بطرف ( صدرک ) عقب نشینی مینمایند .

ارتش روس ، مجال ، طاقت ، قوه تعقیب کردن آنها را نداشت . چه محاربه دیروز آنان را یزخسته و پربشان ، مضمحل ، تلف کرده . اگر ایرانیان عقب نشینی نکرده ، برعکس قدری حالت تعرضی اتخاذ مینمودند ، روسها فوراً رجعت کرده و بلکه هم تا شهر تفلیس فرار میکردند . ولی ، همانطوریکه قبلاً مذکور افتاد ، نرسیدن آذوقه ، و قورخانه و آب و قشون امدادی وارد شدن تلفات زیاد ایرانیان را مجبور کرد که هرچه زودتر خط محاربه را ترك گفته ، بطرف خطی رجعت نمایند که ، هم به دستجات احتیاطی نزدیک شوند و هم از حیث آذوقه و آب راحت شده باشند .

روز بیست و دوم ماه نیروی روس بیش از دو فرسخ جلو تر رفته و در جنوب شهر ایروان اردوگاه خود را تأسیس نمود ولی سوار نظام آنها در تعقیب نیروی ایران بطرف قریه صدرک حرکت نمود .

مرکز اعمال جنگی بعد از محاربه ( پنبک )

ایروان شد ، قلعه ایروان استحکامات محکمی

بود مشرف برجاده عمومی سوق الجیشی که ،

**محاصره اول  
قلعه ایروای**

اولین درب ورود برای دخول به حوضه ارس محسوب میشد . چون فرمانده ارتش اول روس قبل از تسخیر قلعه ایروان نمیتوانست نیروی

خود را بجلو سوق بدهد لذا ابتدا بمحاصره آن پرداخت . ایرانیان برای حفظ آن قلعه کمال سعی را کردند . نبرد در اطراف حندقهای ایروان يك هفته طول کشید ، در این مدت ارتش اول ایران در حدود صدرک خود را جمع آوری نموده و نیروی احتیاط را که در شهر نخجوان بود ، طلبید .

روز ۲۸ ماه ربیع الاول چون کمک و آذوقه از نخجوان رسید و خود فتحعلیشای نیز بجهت جنگ با پنجهزار سوار وارد شد ، لذا ارتش ایران حالت تعرضی احراز و برای استخلاص قلعه ایروان که تا ( صدرک ) سه فرسخ مسافت داشت ، حرکت در آمد . ( ۸ )

ارتش عباس میرزا در روز ۲۹ ماه به حدود ایروان رسید . عده این ارتش قریب پنجاه و پنج هزار نفر بود . در ابتدا ژنرال ایشپخدر سعی فراوان کرد که ایرانیان را از حدود ایروان طرد کند ، لکن موفق نشد . آنگاه خدعه کرد . اردوی خود را بعقب کشیده و انمود ساخت که در صدد تخلیه کردن خطوط محاصره است . اما حرکت اردو را از انظار ایرانیان حتی المقدور مخفی داشته دایره وار بدور ارتش ایران پیچید و با حرکت متهورانه از پشت سر ایرانیان را در جنوب ایروان مورد حمله قرار داد .

در این حرکت جنگی عباس میرزا خود را کم نگردید ، بوسیله

( ۸ ) - فتحعلیشاه سرعت از نخجوان حرکت و در سه فرسنگی شهر

ایروان در لشکر گاه نایب الساطنه فرود شد از آنجا جمعی از رجال اطفال را ملارم و کاب . . . از کتاب ناسخ التواریخ صفحه ۶۸ - ج ۵ ق



سوار نظام تهاجمات روسها را آختنی گذارد و مخصوصاً ده هزار سوار نظام را بطرف مرکز نیروی روس مثل سر نیزه فرو برد و جبهه آنان را شکافت و ارتش روس را در صورتیکه به دو قسمت شده بود اندام مجبور رجعت ساخت .

این نبرد در نهایت صعوبت و خطرناکی انجام گرفت ، عباس میرزا و خود را با خطر افکند و برای دل دادن به سر بازان پیشاپیش آنها خود را بروی قریه پنک که غرق گلوله باران خصم بود ، انداخت و نزدیک بود تلف شود .

تعقب و محاربه گریز تا غروب روز سیم ماه طول کشید . روز اول ماه ربیع الثانی ارتش روس بطور پریشان از جنگه آریاچای بطرف شمال یعنی بسمت تقلیس رجعت میکرد . (۹) در خلال این اوقات در جبهه های دیگر سکونت حکمفرما بود . یعنی در جبهه طالش روسها از (رود کر) عبور نکرده در حدود (سالیانی) متوقف و در جبهه قره باغ روسها در قلعه حالت دفاعی اتخاذ و چون در آن جبهه ابر ایان کم بوده اند ، لذا هشت فرسنگ طرف جنوبی قلعه شوش آمده و تمام راههای قره باغ را که به معبر ارس معتد است محکم گرفته بوده اند

(۹) - محال درك بر ژرال ایشیچدر مانند در اول ربیع الثانی جاگه آریاچای بحال شهر تقلیس بر تعجیل شد و سواران ایران از قهای ایشان فراوان ناخن کردند و فراوان اسیر آوردند در این وقت . . .  
از کتاب تاسیح التواریخ صفحه ۶۹ سطر ۱۳ ج - ق

خلاصه - در این دوره ارتش روس در جبهه آرباخای مغلوب شد یعنی آنمقصودیکه برای تصرف معبر رودارس از راه شوره کل داشت با عدم موفقیت خاتمه یافت . ایکی در جبهه‌های دیگر قدرت خود را حفظ کرد . در طول زمستان ارتش‌های طرفین بهیچ اقدامی مبادرت نکرده مثل جنگهای قرون وسطی هر دو طرف در مدت زمستان ساکت و آرام ماندند .

## مبحث سوم - دوره دوم جنگ ، سال سوم

وضعیت سیاسی  
معدالك در بحاربات دوره اول جنگ بر دقطنی هنوز معلوم نبود . زیرا طولی نکشید که جنگ در هر چهار جبهه حرب از نو در گرفت و سبب آن کینه‌خواهی « ژنرال ایشپخدر » و چشم طمع روسیه بود و خیالات کشورگیری روس که حتی نقشه تصرف ترکمنستان را هم میکشید ، بسیار زیاد شده سی هزار نفر نیرو از برای تقویت ارتش قفقازیه . از روسیه مر کزی فرستادند . در خلال این اوقات وضعیت قطعه اروپا بسیار خطرناک و جنگ عمومی با تمرضات ناپلئون در هر جا مداومت داشت . محرک و رابط فعال این جنگها آلکساندر اول تزار روسیه بود .

از این تاریخ امپراطور روسیه در عقد معاهدات لازمه بشتاب تمام کوشید . در ۱۸۰۴ م با دولت پروس و با امپراطور دولت اطریش و در سال ۱۸۰۵ م با دولت انگلیس پیمان بست و به آنها وعده داد که از برای مغلوب کردن ارتش ناپلئون ( ۲۳۵۰۰۰ ) مرد جنگی بمیدان نبرد

کسبیل کند . بدین ترتیب جنگ عمومی اول اروپا با کمال شدت در مرکز و مغرب اروپا دوام داشت .

روسیه با اینکه در اروپا با این جنگها مشغول بود ، جنگهای ایران را مهم میشمرد و غالباً نقشه تعرضات آن حبه را امپراطور مشخصاً تهیه و برای تطبیق آن اوامر شدید و اکید صادر مینمود .

با اینکه در مقابل ارتش ناپلئون ضایعات روسیه فوق العاده سنگین بود ، باز در فرستادن کمک بجبهه قفقاز به ابداً کوتاهی نمیشد . چه در این تاریخ مناسبات سیاسی دولت ایران با دولت فرانسه محکم شده و هیئت نظامی فرانسه در تحت ریاست ژنرال « رومیو » اتفاق نامه ایران و فرانسه را تهیه مینمودند در این دوره یکی از مسائل مهمی که توجه ناپلئون بوناپارت را بخود جلب نموده بود ، همانا درهم شکستن قدرت انگلیس بود در آسیا . برای انجام این نظر به نقشه هائی تهیه شده بود که بر طبق یکی از آنها ، اردوئی از طریق خشکی بدهندوستان اعزام گردد .

اردوئی مزبور از صنوف مختلفه تشکیل و با رضایت و مساعدت دولت عثمانی و ایران از خاک این دو ممالکت عبور نموده بطرف هندوستان متوجه شود . ضمناً عده اردو از دستجاتی که در این دو ممالکت بخصوص ایران استخدام خواهند شد ، تکمیل گردد . برای این نظریه دولت فرانسه همیشه بادولت ایران در حال مذاکره بوده لی بعد مسافت و وضعیت اوایل قرن نوزدهم که هنوز از نبودن وسائل بخار و تلگراف ، تافون ، بی سیم ) و وسائط نقلیه ( خط آهن کشتی بخاری ) ایجاد نشده بود ، این مذاکرات سالها طول میکشید .

ژنرال رومیو در تهیه نقشه تعرض به عباس میرزا کمک‌های فکری کرد و باین صورت لازم شد که نیروی ایران در جبهه‌های دریای خزر طالش، شوره گیل حالت دفاعی احراز و از جبهه قره باغ وضعیت تهاجمی اتخاذ نماید. یعنی در مرکز جبهه عمومی داخل عملیات گردد.

چنانچه در وقایع اواخر سال ۱۲۱۹، مذکور افتاد  
**موقعیت نیروی طرفین**  
 در اوایل سال ۱۲۲۰ در موقع زمستان نیروهای طرفین داخل عملیات جنگی نشده و هر دو طرف از هم جدا و در

قلاع و یادر استحكامات موقته فرار گرفته تا اول سال ۱۲۲۰ هجری مدت چهار ماه بطور آسوده در مکان‌های خود متوقف و منتظر فصل بهار بوده‌اند لیکن در پایان زمستان وضعیت ارتشهای طرفین بقرار ذین بود:

**ایرانیان در جبهه شوره گیل:** ایرانیان قلاع ایروان و اوچ کلیسا و سردار آباد را تحکیم و شش هزار ساخلو در آن قلاع گذارده بودند و بانصد تقریباً سه هزار نفر در شمال قلاع ثلاثه در قریه (تالین) بطور نیروی مقدم برقرار و متبانی قوای تومان دوم در شهر نخجوان قرار داشت

**در جبهه قره باغ:** تومان اول در پل خدا فرین قرار گرفته سوار نظام آن در دو خط قریب ده فرسنگ جلو تر استقرار یافتند.

**در جبهه طالش:** پنج هزار نفر در قلعه لنکران و دو هزار سوار در ساحل رود کورا در قصبه سالیانی بوده‌اند.

**در جبهه زر زور:** سه هزار نفر در شهر رشت و بانصد تقریباً در قریه غازیان بوده‌اند. قرارگاه کل در قصبه (آهر) بود.

روسها :

در جبهه شورگل : يك لشكر مختلط و يك تيپ سوار نظام قزاق در قصبه ( كمری ) و بیشتر اول آن در حدود قریه ( تالین ) بود .  
در جبهه قره باغ : يك لشكر مختلط در قصبه ( شوشا ) و يك فوج قزاق در جلو او در قریه ( پناه آباد ) بود .

در جبهه طالش : دو فوج پیاده و يك فوج سوار و يك آتشبار توپخانه در حدود قصبه ( سالیانی ) متوقف بود .

در جبهه باد کوبه : کلیه بحریه روسیه در بندر باد کوبه تمرکز و سه هزار نفر پیاده و دو آتشبار توپخانه جهت حرکت بطرف سواحل ایران آماده بود .

احتیاط عمومی و قرار گاه فرماندهی نیروی قفقازیه هم در شهر ( تفلیس ) بود چون ( ۲۲ - ماه مارس ) نیروی جدیدی برای تقویت ارتش قفقازیه رسید ، لهذا قوای ژنرال ایشپخدر ، از اواخر ماه مذکور در تمام جبهه جات شروع بتعرض نمود .

وضعیت جنگهای اروپا باعث شد که تعرض

سوم روس در بگیرد و کلیه نیروی موجوده در قفقازیه عازم حرب شوند .

تعرض سوم  
نیروی روس

محاربات سال سوم را مشخصاتی چند بود از جمله زیادی نیرو در تمام جبهه جات و اشتراك نیروی بحری روس ، محاربات و تغییر نقطه تعرض از جبهه شورگل به جبهه قره باغ ، باین لحاظ جنبه نظامی این دوره بر جنبه عملیات سیاسی محاربات دوره دوم مبعبر بود .

نقشه فرمانده نیروی روسیه ؛ قبلا در تمام جبهه جات شروع  
تعرض ولی اصل تعرض جدی را در جبهه قره باغ ادامه و در سایر  
جبهه جات فقط به نمایشات اکتفا و در جبهه بحر خزر نیز توسط بحریه  
به بندر غازیان ارتزیر پیاده نموده ، پایتخت ایران را تهدید نماید . در  
این تاریخ قرار گاه فرمانده نیروی روس شهر ( گنجه ) بود .

برای انجام این تصمیم بتمام فرماندهان جبهه های مختلف از  
اول فروردین سال ۱۲۲۰ هـ اوامر لازمه صادر گردیده و از نهم ماه در  
تمام جبهه ها حرب عمومی شعله ور گردید .

در جبهه قره باغ چون عباس میرزا از جنگ گریزی نیافت برای  
اینکه خصم را مجال صف آرائی ندهد طریق  
تعرض پیش گرفت ، یعنی در جبهه های گیلان ، طالش ، شوره گیل  
حالت دفاعی و در جبهه قره باغ وضعیت تهاجمی احراز نمود . ایشان  
برای عملی کردن نقشه خود نیروی عمده را با سواران چریک در  
( بل خد آفرین ) مجتمع ساخت .

در اول ماه فروردین این قوا به ( ۲۰۰۰۰ نفر ) رسیده و در موانع  
شروع تعرض هم از بیست و پنج هزار نفر تجاوز نموده بود .  
روسها در جبهه قره باغ بالنسبه قوی بوده اند . مقدمه الجیش آنها  
یک لشکر مختلط بود . عباس میرزا مصمم شد که ، با سرعت از بل خد  
آفرین عبور نموده به این لشکر روتهاده . آنرا قبل از رسیدن قوای  
دیگر که در این اثناء در ( شوشا ) و ( ترتر ) و ( گنجه ) متفرق اند ،  
از میان بردارد مجموع نیروی روس که از فلات قره باغ به حوضه رود

ارس بائین آمده بود ، بیتر از ده هزار نفر نمیشنند . اما در مقابل عباس میرزا بیست و پنجهزار نفر در خط اول حاضر داشت . تمام این عده از سر بازان سابق او بشمار میآمدند که لااقل در دوره های قبل دو دفعه میدان محاربه را دیده بوده اند . بنابراین نیروی ایران بالنسبه قوی و مرتب بوده و ارتشی که برای عملیات جنگی این جبهه تمرکز یافته اردوی مرکزی نامیده شد .

بالاخره روز ۹ فروردین اردوی مرکزی طبق تصمیم و دستور عمومی جنگی داخل عملیات شد .

اردوی مرکزی با دو ستون قوی رو به شمال راه افتاد . از حوضه رود ارس بطرف قره باغ دورا عمده وجود داشت که هر دو راه از پل خدا فرین مجزا ، یکی از وادی ( آق مازچای ) و دیگری از جلگه ( قوروجای ) دوروزه بطرف کوههای قره باغ امتداد میکند و در قلعه شوشا مجدداً بهم دیگر وصل میشوند ( ۱۰ )

ستون چپ بدون اینکه دستجات دشمن مصادف بشود ، به راه پیمائی خود ادامه داده شب به منزلگاه ( صاری اویماق ) رسید . ستون راست نیز تمام روز راه رفته و نتوانسته با دشمن تماس حاصل نماید ، در صورتیکه روز پیش از سواران دشمن چند نفری در شمال پل خدا فرین دیده شده بود ،

( ۱۰ ) - در هر منطقه حرکت از لحاظ تسهیل راه پیمائی ستونها را در صورتیکه مقتضیات اجازه دهد از واحد های که دارای سرعت حرکت مساوی باشند ترکیب مینمایند . - از کتاب های سوق الجبیتی - ج . ق

روز ۱۰ ماه باز هر دو ستون بحركات جنگی خود ادامه دادند. قرارگاه کتل نیز در پشت سر ستون راست حرکت میکرد. ستون چپ باز بدون مشاهده و تماس دشمن پیشرفت ولی ستون راست همینکه به دره ( قوری جای ) وارد شد ، از سه سمت مورد تعرض سواران خصم گشته فوراً صف آرائی نمود و حرکات خود را موزون و دستجات جلوای نیز از برای تعرض با سرعت زیاد بطرف سواران خصم حرکت کردند.

فرمانده ستون راست به گمان اینکه بانروی عمده خصم روبرو گشته ، سریعاً کلیه سوار نظام ستون مربوطه اش را به محل زدو خورد اعزام و ستون راهم برای نبرد جدی آماده ساخت .

چون سواران خصم از وضعیت و استعداد ایرانیان بخوبی آگاه گشت ، لذا توقف را خطرناک دانسته ، فوراً بطرف ( آق اوغلان ) رجعت نموده و سواران ایران به آنها در آویخته تا حدود قریبه مزبور تعقیب و موقع غروب آنها را بتصرف در آوردند و پس از دو ساعت قسمت عمده نیروی ستون راست هم به آق اوغلان رسیده شب را در آنجا ماندند .

روز بعد ۱۱ ماه این ستون راه افتاده . نیروی جلو دار ، روسها را قدم بقدم تعقیب مینمود . این جلو دار مرکب بود از سوار نظام ایلاتی « قوانلو » و یک گروهان نظام جدید . حرکات عمده ها خیلی آهسته و وضعیت و فکر طرفین کاملاً ناقص بود . چه ، نه روسها از وضعیت و استعداد ایرانیان خبر و اطلاعات صحیحی داشتند و نه ایرانیان



از اوضاع روسها . بنا بر این خصم در اراضی کوهستان با دایر بودن ز دو خورد اتصالا عقب میرفت . بالاخره کمی قبل از غروب در جنوب قریه (چناقچی) يك مقاومت جدی . نشان داد . ولی موفق نشده باز به تپه های شمالی قریه مذکور عقب نشینی کرد و سوار نظام ایران چناقچی را تصرف نموده در حدود شمالیش اردوگاه تأسیس و پس از يك ساعت هم نیروی عمده ستون به آنجا وارد شد . شب بدون مصادمه گذشت . روز ۱۲ فروردین ستون راست بواسطه نرسیدن قسمت عمده نقلیه ، در قریه چناقچی توقف نمود . در این اثنا از راه کویپایه باستون چپ نیز ارتباط حاصل و خوبی وضعیت او و رجعت کردن دشمن بطرف قلعه شوش در مقال او معلوم گردید .

این وضعیت بهترین موقعیتی برای اردوی مرکزی ایران احداث نمود . چه ، روسها در مقابل هر دو ستون تدریج عقب نشینی میکنند و وضعیت راه نیز طوری میشد که هر دو ستون هر چه جلو ترمیرفتند ، بواسطه نزدیک شدن راه عملیات آنها توأم میگردد .

روز ۱۳ فروردین حرکت پیشروی بطرف شمال شروع شد . پس از طی دو فرسنگ راه سوار نظام اطلاع داد که نیروی روس در جنوب ( پناه آباد ) حبهه بالنسبه بزرگی تأسیس نموده بتوسط توپخانه سنگین دستجات سواران ایران را مورد شلیک قرار میدهد .

در خلال این اوقات ستون چپ هم از دور نمایان شده . بوسیله سوار نظام خود ارتباط محکمی باستون راست دایر نمود .

هر دو ستون بطرف خطوط مدافعه روسها که در جنوب پناه آباد